

سه شنبه 08 جنوری 2019

مرجان کمال

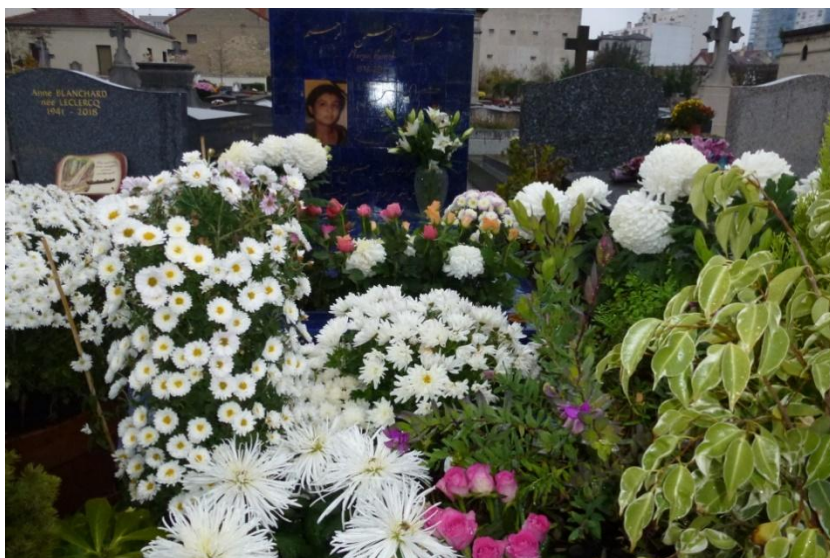
ولایت لهوگر دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن

از زنده یاد مرجان کمال

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت هفتم

شبی در عالم تنهایی خویش در دل را به غم ها باز کردم
بر آن خلوت سرای بیکسی ها خدا را دم به دم آواز کردم
به یاد دخترم اشک ها فشاندم غم را دوباره آغاز کردم



جنگ و بی ریشه شدن یا خالی شدن دهات از مردمش

بر علاوه از بین رفتن گروپ های قومی و نژادی، و دگرگونی اجتماعی از سبب جنگ ها، ایجاد و ظاهر شدن پدیده های ترکیب دوباره محلات، از سال های 1980 میلادی که منظور آن روی کار آمدن اهداف نو در کشور بود، و این اهداف در یک ولایتی مثل ولایت لهوگر، ارتباط به تقسیمات تولیدات غنای زراعتی نداشته، بلکه برای آرامش بخشیدن از نظر امنیتی و بسته نمودن مکان ها و دهلیزهای عبور و مرور ارتباط می گیرد.

مستقر شدن این پروژه ها یا جریانات در دراز مدت شامل دینامیک های مغلق می باشد، در این جا کوشش می کنم تا به تشریح آن در دو زمان خیلی مهم بپردازم. یکی داخل شدن در جنگ علیه شوروی ها در شروع سال های 1980 میلادی و دیگری جنگ بر علیه تروریسم در سال های 2000 میلادی می باشد.



یک قلعه در برکی راجان

قریه برکی راجان در لهوگر

داخل شدن در جنگ و دگرگونی ساختار های اجتماعی محلات:

از شروع سال های 1980 میلادی دگرگونی ساختار های اجتماعی محلات، نتیجه فعالیت های دو بازیگر اصلی است: قوای نظامی شوروی و اجنت ها یا نمایندگان محلی شان، مخصوصاً خاد از یک طرف و کتگوری های مختلف قوماندان های مقاومت مسلحانه علیه شوروی ها و رژیم دست نشانده شان از طرف دیگر. (خاد) (KHAD): خدمات اطلاعات دولتی (Services secrets du régimes) (که در پنج سال اول توسط نجیب الله اداره می گردید، که این شخص مخصوصاً و مشخصاً از جانب شوروی ها برای این کار انتخاب گردیده بود، ادغام خاد و جای گرفتن آن در داخل تشکیلات K.G.B بسیار بلند بود).

عملیاتی که توسط رژیم و متحدین روسی شان بین سالهای 1979 و 1982 میلادی به راه انداخته شد:

بعد از کودتای اپریل 1978 میلادی که منجر به افتادن قدرت به دست حزب کمونیست افغان گردید، یک اقدام ضد کودتا توسط بعضی از صاحب منصبان نظامی که زیادتین آن ها از لهوگر بودند به راه انداخته شد، که این اقدام شان ناکام و تمامی اعضای اشتراک کننده به قتل رسانیده شدند.

در ماه می 1979 میلادی اولین قیام بزرگ مردمی در لهوگر علیه رژیم کمونیستی، در عکس العمل مخصوصاً جهت اصلاح دوباره اراضی به راه انداخته شد، که مقر ولایت ویران و مامورین دولتی به قتل رسانیده شد. بعد از اشغال شوروی در ماه دسامبر 1979 میلادی، هدف اولی قوای اشغال گر شوروی و رژیم دست نشانده آن این بود که امنیت و کنترل دفاتر دولتی را در پایتخت کابل، و در شهر ها و سرک ها اساسی گرفته و کاملاً بالای کابل و ولسوالی های

اطراف آن کنترل داشته باشند. چندین عملیات به راه انداخته شد، فیر نمودن راکت ها از هلیکوپتر ها و محاصره قریه جات توسط تانک ها، که بعد از آن گروپ های عسکری و اعضای خاد به خانه های مسکونی برای انجام دادن عملیات پالیدن اسلحه و رزمندگان حمله می بردند. مردم ملکی زیادتین تلفات را از این عملیات متحمل می شدند. به قرار شاهدان عینی که هنوز موجود هستند، در حمله بالای قریه جات، آن را کاملاً تخریب و از بین می بردند و از باشندگان خالی می کردند، باشندگان یا فرار می کردند و یا کشته می شدند و اجساد کشته شدگان پوسیده و خراب می شد. در اکثریت مطلق این عملیات، هدف، جنگجویان و رزمندگان علیه شان نبوده بلکه خانم ها، اطفال و اشخاص مسن را نیز قتل عام می کردند، زیرا مردها همه، جهت اشتراک در مقاومت خانه های شان را ترک کرده بودند.

به قرار منابع در دو سال اول اشغال شوروی ها، مخصوصاً بر علاوه بمباران همیشگی و روزانه قریه جات و دهات توسط هلیکوپتر ها، زار عین و دهاقین را که بالای زمین های خود کار می کردند، نیز از بین می بردند.

در ماه اکتوبر 1980 میلادی بعد از یک پیروزی مجاهدین، شوروی ها به جواب بسیار وحشتناک پرداختند که با کشتار تمامی مردمانی که در سر راه شان واقع شده بودند انجامید. و در تمام دره از داخل شدن به دره تا به مرکز اداری لهوگر پُل علم تقریباً در امتداد 80 کیلومتر با از بین بردن همه اهالی جواب دادند.

علاوتاً قریه جاتی که بالای شان حمله صورت گرفته، کاملاً توسط بمباران ویران و به طور منظم چور و چپاول می گردیدند (تمام اموال، مواشی، غله جات و مواد خورکه شان). قتل عام و کشتار تمام اعضای یک خانواده در داخل منازل شان و یا با روی هم انباشتن تمام مردم قریه در داخل کانال های آبرسانی و زنده سوختانده می شدند، و همچنین آب های آشامیدنی را با مواد مسموم کننده و گاز های سمی آلوده می کردند، به گمان اغلب اسلحه کیمیاوی نیز استعمال گردیده است.

ادامه دارد.